

اکسپرسیونیسم

اکسپرسیونیسم یا هیجان‌نمایی شیوه‌ای نوین از بیان تجسمی است که در آن هنرمند برای القای هیجانات شدید خود از رنگ‌های تند و اشکال کج‌جوش (معوج) و خطوط زمخت بهره می‌گیرد. مرجع به وجود آمدن سبک اکسپرسیونیسم در حقیقت سبک پست-امپرسیونیسم ونگوگ بوده است .

هنرمندان مطرح :

کوکوشکا
امیل نوله
کرشنر
جیمز انسور
ادوارد مونک
ژرژ روئو
کته اشمیت کلویتر

این هنرمندان برای رسیدن به اهداف خود رنگ‌های تند و تشویب انگیز، و ضربات مکرر و هیجان زده قلم مو، و شکل‌های اعوجاج یافته و خارج از چارچوب را با ژرفا نمایی به دور از قرار و سامان ایجاد می‌کردند و هرآنچه آرامش بخش و چشم نواز و متعادل بود از صحنه کار خود بیرون می‌گذاشتند. آنها برای بیان کردن احساساتشون بدن انسان را به صورت اغراق آمیز و تحریف شده ای ترسیم می کنند

نقاشی اکسپرسیونیستی و گرایش فلسفی نهان پشت آن ، صرفاً به مکتب نقاشی آلمانی سده ی بیستم که با همین نام شهرت دارد ، محدود نمی شود . اکسپرسیونیسم عمیقاً در تاریخ نژاد شمالی ریشه دارد و بسیار متأثر از گرایشاتی است که معمولاً به عنوان رمانتیک از آنها یاد می شود . بدین مفهوم آثار نقاشی اکسپرسیونیستی فراوانی در طول تمامی دوره های تاریخی و در کشورهای مختلف وجود داشته است . اما اکسپرسیونیسم به عنوان توصیفی سبک پردازانه از هنر مدرن ، معمولاً برای توصیف جنبش های هنری مشخصی در آلمان بین سال های ۱۹۰۵ تا دهه ی ۱۹۲۰ اطلاق می شود و به دو گروه عمده تقسیم می گردد : گروه « پل » که ویژگی کاملاً آلمانی داشت و در سال ۱۹۰۵ در شهر درسدن شکل گرفت و دیگری گروه « سوارکارآبی » که جهانی تر بود و در سال ۱۹۱۱ در مونیخ تشکیل شد . هنرمندان اکسپرسیونیست با به کار بردن روش و فنون مختلفی چون فنون مختلف چاپ و مجسمه سازی بر احساسات شخصی نسبت به موضوع تاکید بسیار داشتند . خود موضوعات آثار آنان نیز حائز اهمیت بود و غالباً به موقعیت و شرایط انسانی مربوط بود و از رنگ های خام ، درخشان ، پرتضاد و نا مرتبط با موضوع نقاشی استفاده می شد که به ظهور تجلیات گسترده تر تمایلات فردی میدان می داد . اکسپرسیونیست ها ، بر خلاف معاصرین فرانسوی خود « فووها » که از رنگ به گونه ای استفاده می کردند که نقاشی هایشان آرامش و نشاط می بخشید ، برخی از آثارشان آن چنان تاثیرگذارند که موجب می شوند از ناآرامی به خود بلرزیم . اگر موضوع اثر ، منظره باشد ، هنرمند با رویکردی پرتردید و پر سوءظن روبروست که فرسنگ ها از سردی و اعتماد به نفسی هنر کلاسیک فاصله دارد .

در اکسپرسیونیسم ، احساسات درونی به بیرون تجلی می کند و به دیگران منتقل می شود . در این سبک شخصیت ، موقعیت ذهنی یا شرایط حسی هنرمند به شکلی مشابه به موجود زنده ، به نمایش گذاشته می شود . ما در زندگی روزمره ی خود نیز چنین می کنیم ، مثلاً ممکن است خانه ای تجسد انسانی شود و آن را در کسوت خانه ی خوشبختی یا خانه ی سیاه ببینیم و پنجره های خانه را به صورت چشم هایش تجسم کنیم ؛ و یا یک سگ یا حیوان خانگی با احساسات و انگیزه هایی عجین شود که احتمالاً نمی تواند با احساسات بی نهایت پیچیده تر صاحبش مشابه باشد . این گرایش را که بعد ها در آثار سازندگان فیلم های کارتونی برجسته تر شد ، می توان همدلی (Sympathy) نام نهاد .

اما در تاریخ و نقد هنر ، این اصطلاح به سبکی اطلاق می شود که در آن قرارداد ها و سنت های طبیعت گرایی کنار نهاده می شود و در عوض تاکید بیشتری بر ایجاد اوعجاج و اغراق در شکل و رنگ به جهت بیان فوری احساس هنرمند وجود دارد . از این رو مفهوم اکسپرسیونیسم در معنای وسیع آن می تواند به هنر هر مکان و زمانی اطلاق شود که تاکید بر واکنش حسی هنرمند ، اولی تر از نظاره ی دنیای خارج است . در این مفهوم کلی ، واژه ی اکسپرسیونیسم در زبان لاتین با حرف e نوشته می شود (exprssionism) اما کاربرد رایج تر این واژه ، برای توصیف گرایشی در هنر مدرن اروپا و به طور خاص تر به یک جنبه ی خاص آن گرایش ، به کار می رود ؛ جنبشی که از حدود ۱۹۰۵ تا حدود ۱۹۳۰ در هنر آلمان گرایش غالب محسوب می شد . منشأ و ریشه ی اکسپرسیونیسم در این مفهوم ثانوی به دهه ی ۸۰ سده ی نوزدهم باز می گردد . با این وجود این گرایش تا سال ۱۹۰۵ به عنوان یک برنامه ی متمایز تبلور نیافت ، و خود واژه فقط از سال ۱۹۱۱ و برای توصیف آثار کوبیستی و فوویستی که در برلین به نمایش گذاشته شده بود ، به کار رفت .

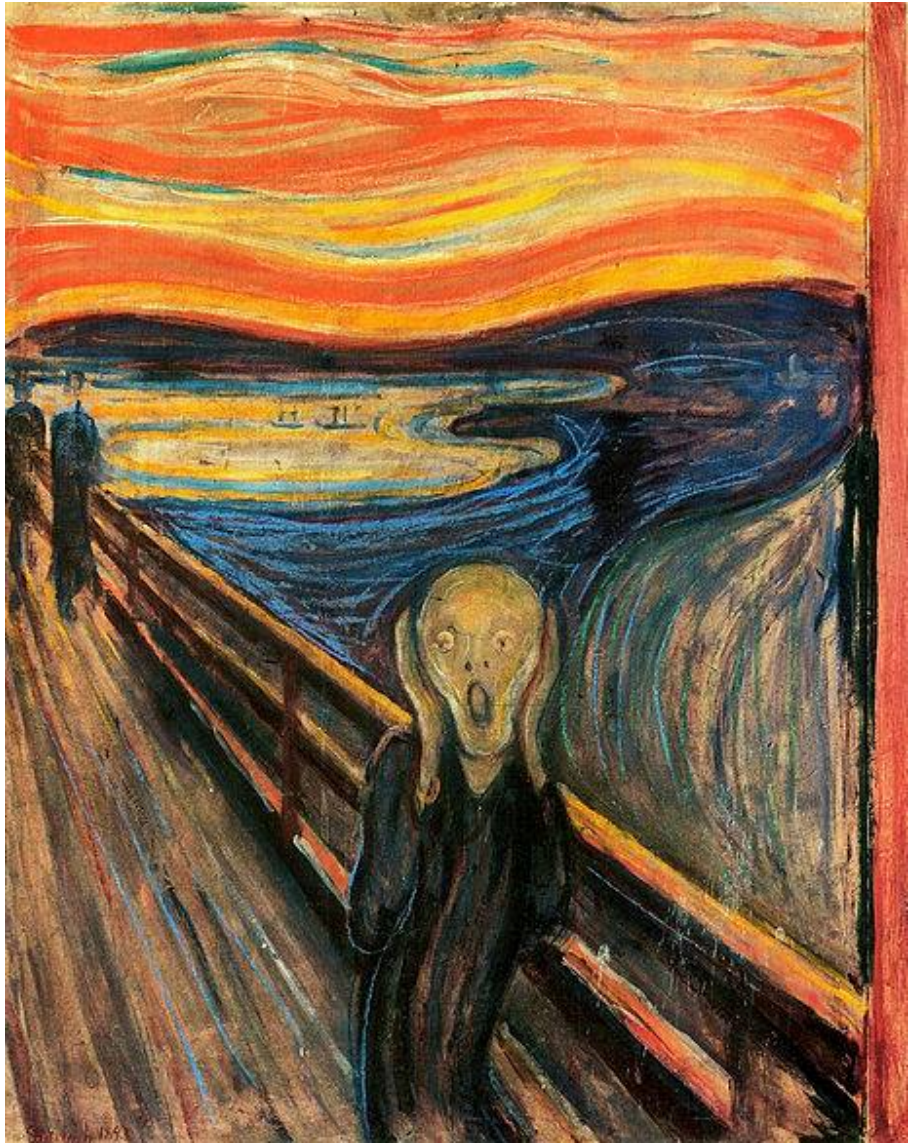
مهمترین پیشگام اکسپرسیونیسم - ون گوگ - بود که به طور آگاهانه طبیعت را برای " بیان رنج دهشتناک آدمی " به صورت اغراق آمیز به تصویر کشید . ون گوگ و اکسپرسیونیست های پس از وی ، در کاربرد حسی رنگ و خط تاکید عمده ای بر احساس و انگیزش خود داشتند و از این نظر از تلاش های - سورا - برای خلق یک نظام علمی برای بیان فرمی متمایز شدند .

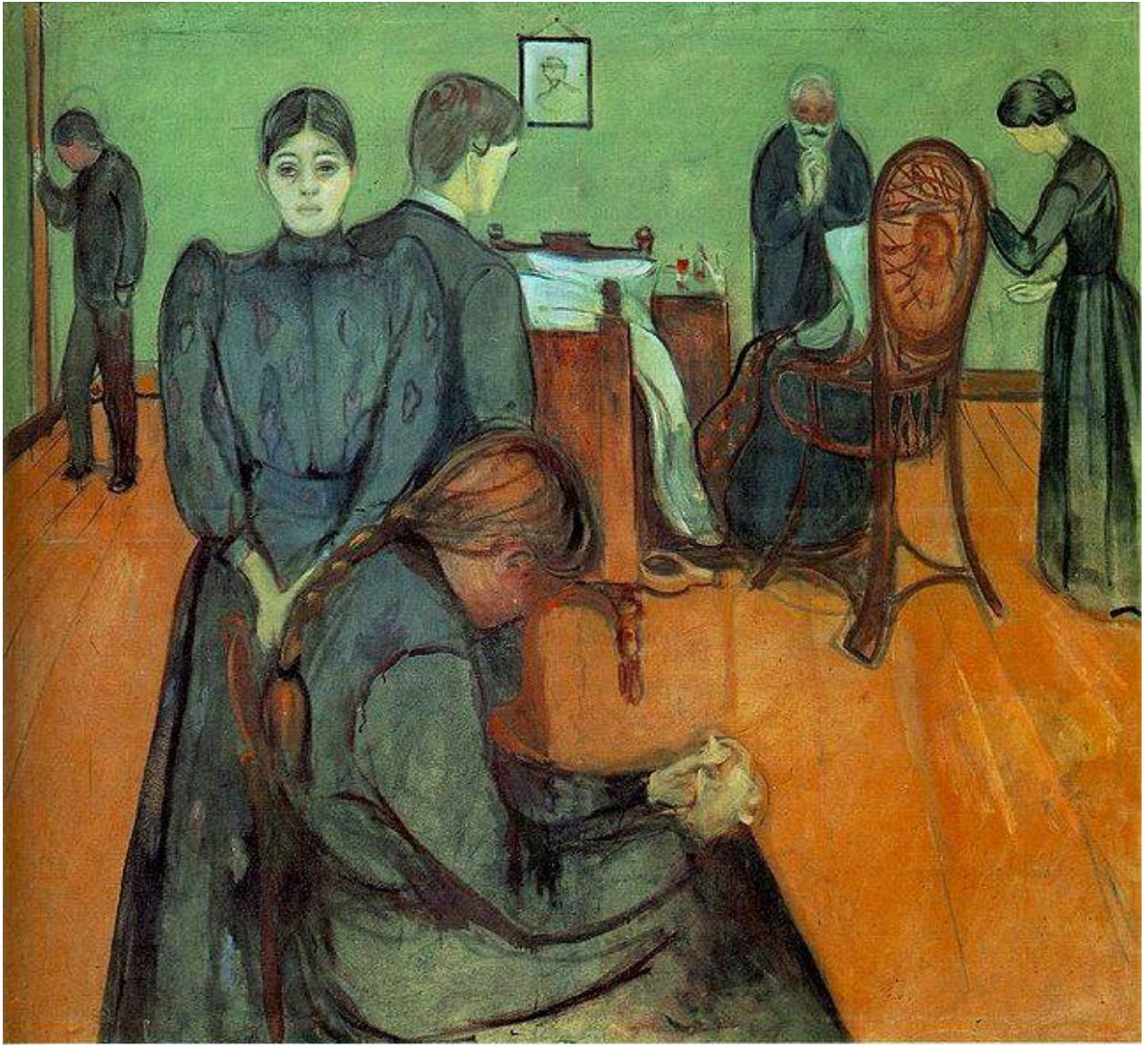
- گوگن - با آگاهی بیشتر و به طور مشخص تری از امپرسیونیسم گسست . به مفهوم دقیق تر ، - گوگن - اکسپرسیونیست نبود ، اما اولین کسی بود که به طور آشکار و صریح اصول سمبولیسم را که به نوبه ی خود به عنوان محمل ارتباطی برای اکسپرسیونیسم بسیار حائز اهمیت بود ، پذیرفت . وی تمام فرم ها را ساده و مسطح کرد . از رنگ به گونه ای بهره برد که تمامی تشابه آن به واقعیت یکسر از بین برود . خشونت نهفته در تابلوی « یعقوب در حال کشتی گرفتن با فرشته » (NG ادینبورگ) به واسطه ی زمینه ی قرمزی که کشتی روی آن انجام می شود ، آشکار و چشم گیر است . به همین منظور - گوگن - از بازنمایی سایه اجتناب کرد و بعداً اکسپرسیونیست ها از این جهت گیری وی تبعیت کردند . وی به جهت هماهنگی با سبک ابداعیش در جستجوی سادگی موضوعات بود و آن را نخست در جوامع روستایی بریتانی و بعد ها در جزایر اقیانوس اطلس جنوبی یافت . - گوگن - در رویگردانی از تمدن شهری اروپایی ، هنر بدوی و هنر عامیانه را که هر دو موضوعات جذابی برای اکسپرسیونیست های متاخر شدند ، کشف کرد . در همین زمان - ادوارد مونش - روزی که با کار های - ون گوگ - و - گوگن - آشنا بود ، جستجوی خود را در کشف قابلیت های رنگ های خشن و دگر شکلی خطی که توانایی بالایی برای بیان بسیاری از احساسات اصلی انسانی همچون تشویش ، ترس ، عشق و نفرت را دارد ، آغاز کرد . حاصل جستجوی او برای یافتن معادل هایی برای دلمشغولی های روانی ، وی را به شناخت قابلیت های صراحت و سادگی روش های گرافیکی همچون حاککی روی چوب ، رهنمون کرد ؛ احیای روش های چاپ دستی به عنوان یک هنر مستقل یکی از ویژگی های متمایز جنبش اکسپرسیونیسم محسوب می شود . - مونش - تاثیر گسترده ای به ویژه در آلمان داشت (وی آثار خود را در سال ۱۸۹۲ در شهر برلین به نمایش گذاشت) و دامنه ی نفوذ وی حتی تا مجسمه سازی و در آثار - ارنست بارلاخ - که سبک کار - مونش - را با جلوه ای عظیم برای موضوعات مذهبی و اجتماعی به خدمت گرفت ، گسترش داد . از جمله اولین هنرمندان اکسپرسیونیست باید از نقاش بلژیکی - جیمز انسور - نام برد . وی حقارت ماهیت انسان را با به خدمت گرفتن صورتک های عجیب و ترسناک کارناوال به نمایش گذاشت و هنر نامعقول و نامتعارف وی به ویژه در آثار چاپ فلزش به طور گسترده معروفیت یافت .

در سال ۱۹۰۵ گروه های اکسپرسیونیستی تقریباً به طور همزمان در آلمان و فرانسه شکل گرفتند . فوویست ها نظریات - ون گوگ - و - گوگن - را به آثار هنری خود افزودند . در سال ۱۹۰۸ - ماتیس - رهبر این گروه ، اهدافشان را چنین جمع بندی کرد : « آنچه بیش از همه در جستجوی آنم ، بیان حسی است (expression) هدف اصلی رنگ باید تا حد امکان در خدمت بیان حسی باشد ... در نقاشی یک منظره ی پاییزی سعی خواهم کرد تا رنگ متناسب با آن فصل را به یاد آورم ؛ من فقط از حسی که فصل به من می دهد الهام خواهم گرفت .» این آرمان را - ماتیس - در ترکیب بندی های بزرگ پیکره به کار بست ، - درن - در منظره پردازی و - رولت - در هنر جدید مذهبی ، عظمت و سادگی را به نمایش گذاشتند .

در سال ۱۹۰۵ گروه پل (Die Brücke) در شهر درسدن تاسیس شد و نخستین نمایشگاه خود را در سال ۱۹۰۶ برپا کرد . در حالی که در نقاشی فوویست ها ، حتی در جسورانه ترین نمونه های آن ، همواره هارمونی طرح حفظ می شد و کاربرد تغزلی و تزئینی رنگ از دست نمی رفت ، اما در آثار اکسپرسیونیستی آلمان ، محدودیت ها و قید ها یکسر کنار نهاده شد . علاوه بر تاثیر غیر قابل رد آنان از هنرمندان فرانسوی ، افراط گری و بیان حس اغراق آمیز در آثار آنان مشهود است ؛ در این آثار رنگ ها و فرم ها در تلاش برای ارائه ی تمایلات روانشناختی و نمادین به طور اغراق آمیز به خدمت گرفته می شدند تا بدین ترتیب مغرباشند برای درک رایج از ضرورت آفرینش هنری و نیز به نوعی طغیان علیه نظم تثبیت شده را به نمایش بگذارند . در سال ۱۹۱۲ - کرشنر - نوشت : « ما تمامی رنگ هایی را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم ، انگیزش های ناب و خلاق را باز تولید کنند ، می پذیریم .» کمی پیش از آغاز جنگ جهانی اول ، نقاشان آلمانی نیز با پیوند زدن فرم های کوبیسم با آرمان های اکسپرسیونیست های متقدم و تحت تاثیر تصوف و عرفان هندی ، تلاش داشتند تا نظامی بصری از مفاهیم ضمنی جهان شمول ابداع کنند . در سال ۱۹۱۱ - فرانتز مارک - ، - کاندینسکی - روس و دیگران ، " گروه سوارکار آبی " که نقطه ی اوج اکسپرسیونیسم آلمان محسوب می شود را تشکیل دادند . پس از جنگ جهانی اول ، سبک اکسپرسیونیسم در آلمان رواج یافت و حتی هنرمندانی چون - جرج گروز - و - اتو دیکس - در جستجوی واقعگرایی تازه و اغراق آمیز " عینیت نوین " بسیاری از ویژگی های دگر شکلی و اغراق را که یکی از تمهیدات اصلی اکسپرسیونیسم اولیه بود ، حفظ کردند . در سال ۱۹۲۳ اکسپرسیونیسم ، در کنار دیگر هنرهای منحط توسط نازی ها سرکوب شد . اما پس از جنگ جهانی دوم حیات تازه یافت و امروزه مبلغین مشهوری در میان هنرمندان ، چون - گئورگ بازلیتس - دارد . در خارج از آلمان مبلغین پیشرویی اکسپرسیونیسم شامل - شاگال - ، - سوتین - و عقبه ی آنان از جمله " تاشیسم " و " اکسپرسیونیسم انتزاعی " است

نمونه نقاشی اکسپرسیونیسم از آثار ادوارد مونک





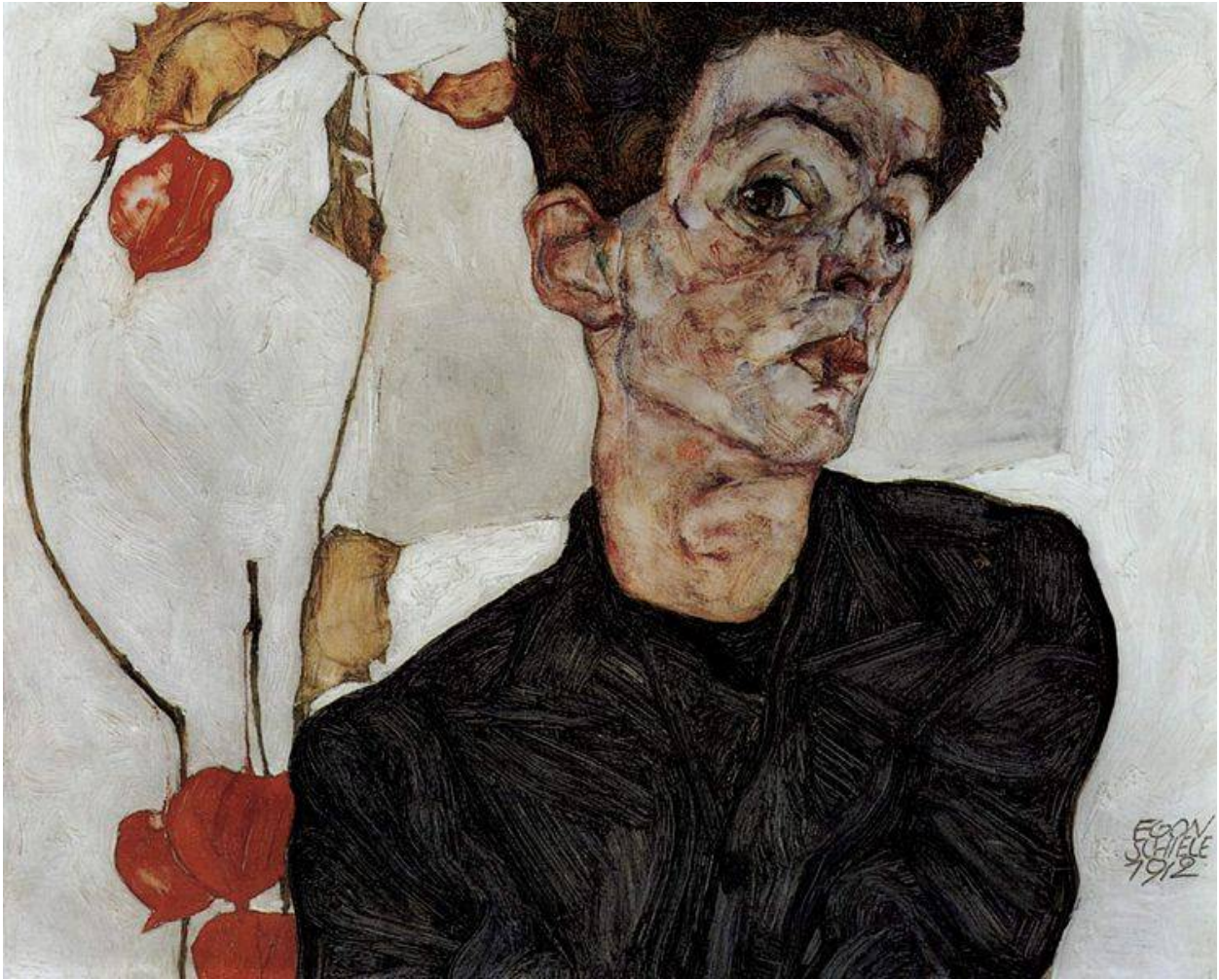








نمونه نقاشي اکسپرسیونیسم از آثار اگن اسپیل







نمونه نقاشی اکسپرسیونیسم از آثار منصوره حسینی













نمونه نقاشي اکسپرسیونیسم از آثار فرزانه فرزانه















